

تحلیل شناختی اسناد و بیانات صادر شده در این بازه زمانی، نشان‌دهنده گذار ساختاری به یک «حکمرانی حفاظتی / پایداری محور» است که در آن «انسجام اجتماعی و ثبات امنیتی» به عنوان متغیر بنیادین بر تمامی ابعاد تصمیم‌گیری غلبه دارد.

#### ۱. نظام استعاره‌های مفهومی و گفتمان سازی

- هستی‌شناسی قدرت: قدرت نه یک ساختار بروکراتیک یا امتیاز سیاسی، بلکه یک «امانت قدسی» تعریف می‌شود که با میراث و خون «رهبر شهید» گره خورده است.
- بازنمایی مردم و جامعه: مردم با استعاره «سنگر اصلی» و «دیوار انسجام» مفهوم‌سازی شده‌اند. رابطه حاکمیت و مردم کاملاً ارگانیک (پیکره واحد) تصویر می‌شود؛ در نتیجه هر گونه دوگانه‌سازی یا انشقاق سیاسی، به مثابه «ایجاد زخم بر پیکره جامعه» تلقی می‌گردد.
- استعاره بحران و پیشرفت: بحران‌ها «آزمون بصیرت و وفاداری» هستند و پیشرفت بیش از آنکه با شاخص‌های رشد مادی سنجیده شود، با استعاره «پایداری و مقاومت» معنا می‌یابد.

#### ۲. چارچوب تصمیم‌گیری و عقلانیت حاکم

- تقدم ثبات بر کارایی: منطق حاکم بر تصمیمات، «ریسک‌گریزی ارزشی» است. اگر طرح یا سیاستی (به‌ویژه در حوزه اقتصادی) دارای بازدهی بالا باشد اما ریسک شکاف اجتماعی یا تضعیف انسجام ملی را به همراه داشته باشد، از چرخه اولویت خارج می‌شود.
- پیوست انسجام ملی: هر اقدام اجرایی باید از فیلتر عدم ایجاد اصطکاک عمومی عبور کند.
- مکانیسم حل تعارض و نقد: تعارضات با ارجاع به «میراث شهید» و «مرجعیت ولی فقیه» حل و فصل می‌شوند. انتقاد زمانی مشروع تلقی می‌شود که زبان و کارکرد آن در خدمت تقویت همگرایی باشد و به ابزار تقابل تبدیل نشود.

#### ۳. افق زمانی و پردازش داده‌ها

- افق زمانی بحران محور: نگاه راهبردی به شدت بر «مدیریت موقعیت و اقدام فوری» متمرکز است که به صورت پیوسته به اصول بنیادین انقلاب متصل می‌شود تا مشروعیت تصمیمات کوتاه‌مدت تثبیت گردد.
- شواهد مورد اتکا: به جای تمرکز صرف بر تحلیل‌های تکنوکراتیک و داده‌های آماری، بر «اصول تاریخی-عقیدتی»، «تجربه دشمن‌شناسی» و «تکلیف‌گرایی» تکیه می‌شود.

#### ۴. ساختار تعامل قدرت و تفویض اختیار

- تمرکزگرایی در امنیت و اصول راهبردی: تصمیم‌گیری در حوزه‌های کلان نظامی، امنیتی و سیاست خارجی کاملاً متمرکز باقی می‌ماند.
- تفویض مشروط به کارگزاران: تفویض اختیار در امور اجرایی صورت می‌گیرد، اما مشروعیت و اختیارات مدیران مشروط به دو شاخص کلیدی است:
  ۱. وفاداری به چارچوب گفتمانی نظام.
  ۲. توانایی حفظ آرامش و جلوگیری از بحران‌های اجتماعی.

#### ۵. دستورنامه شناختی

منطق تصمیم‌گیری در این دوره در قالب چند قاعده ذهنی مشخص عمل می‌کند:

|         |                                                                                |
|---------|--------------------------------------------------------------------------------|
| قاعده ۱ | اگر تصمیمی پتانسیل تضعیف انسجام اجتماعی را دارد ← باید متوقف یا تعدیل شود.     |
| قاعده ۲ | اگر نقدی مطرح می‌شود ← باید در چارچوب تقویت وحدت باشد، نه تضعیف ساختار.        |
| قاعده ۳ | اگر بحران خارجی یا امنیتی رخ دهد ← اولویت مطلق، حفاظت از یکپارچگی داخلی است.   |
| قاعده ۴ | اگر مسئولی در خط تداوم میراث شهید حرکت کند ← از حمایت کامل برخوردار خواهد بود. |

#### ۶. فرهنگ واژگان و استعاره‌های کلیدی

| ستون گفتمانی   | واژگان و عبارات مورد استفاده (مجاز / الزامی)                         | واژگان ممنوع یا تقبیح‌شده                              |
|----------------|----------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------|
| مردم و جامعه   | سنگر اصلی، دیوار نفوذناپذیر انسجام، ولی نعمتان، پیکره واحد، هم‌عهدان | توده ناآگاه، جامعه متکثر/قطبی، طبقه متوسط مدرن         |
| قدرت و مسئولیت | امانت الهی، عهد خونین، بار سنگین تکلیف، خادمی بی‌منت                 | جایگاه سیاسی، تسویه حساب جناحی، رقابت قدرت             |
| بحران و چالش   | ابتلای الهی، آزمون بصیرت، میدان سنجش عیار، تله تفرقه‌افکنان          | بن‌بست ساختاری، ناکارآمدی سیستمی، بحران مشروعیت        |
| اقدام و راه‌حل | هم‌افزایی مؤمنانه، گره‌گشایی میدانی، ثبات بخشی، پیوست انسجام         | جراحی‌های شوک‌آور، آزادسازی رادیکال، عقب‌نشینی تاکتیکی |

## جمع‌بندی راهبردی

دستور شناختی این بازه زمانی، بازتاب‌دهنده‌ی یک «الگوی حفاظتی و تثبیت‌کننده» است؛ هدف اصلی این مدل مدیریتی در شرایط گذار، مهار شوک‌های وارده و مسدودسازی منافذ آسیب‌پذیری داخلی در برابر فشارهای خارجی است.